

متن پرسش

سلام استاد عزیز و بزرگوار: ممنون بابت پاسخ سوال ۲۸۹۴۳ بنده تا حدودی به حضور تاریخی و این طور بحثها واقف هستم مشکل این است که آنقدر حکمت ندارم که نحوه حضور خداوند و شأن او را در این زمان بیابم امثال بنده معمولا تابع هستیم. تا اینجا می‌فهمم که باید از این فرصت عمر استفاده کنم و نسبتم با خداوند را که رابطه بندگی است اصلاح کنم (البته با توجه به شرایط زمانه و ظهور انقلاب و... نه به صورت خانقاهی و پناه به جنگل و عبادت اینگونه) خود او در شرایطی که برایم تدارک می‌بیند مرا در این تاریخ حاضر و نهایتا به ثمر می‌رساند مگر امثال حاج قاسم و امام (ره) جز خدا را خواستند او خود را اینگونه به آنها نشان داد شاید معرکه ای که برای من شخصی مهیا می‌کند چیز دیگری باشد. استاد خوبم نمی‌توانم در تحیر اینکه خدا یا حقیقت در این تاریخ چه حضوری دارد بمانم این خودآگاهی تاریخی را به گمانم خود حقیقت اگر مواجهه ما با او صحیح باشد و جایگاه او را نسبت به خود بشناسیم و همت کنیم برای او باشیم در حد فهم خودمان، به ما می‌نمایاند و در لحظات حساس همانگونه که شهیدان را مهیا کرد ما را نیز به ثمر می‌رساند. به نظر می‌رسد خلوت انسانها و انس با خدا و همان لیلی که در فتح خون از آن سخن گفتید، ظلمت و سرگردانی این زمانه را هم برای انسان هویدا می‌کند و هم انسان را در یک مأمن امنی در دل این اقیانوس مواج به سمت ساحل نجات قرار می‌دهد شاید نیازی به این همه تفکر و گفتگو نباشد هرچند سلوک انسان با ارتباط و گشاده رویی و خدمت به دیگران کامل می‌شود ولی نه لزوماً با فهم دنیای دیگران. نمی‌دانم استاد، من اینقدر می‌فهمم و در فهم خود حاضر و در حال سیر هستم. دلم برایتان تنگ شده و عمیقا دوستتان دارم. همیشه سخنان شما مثل آب گوارا بر جان تشنه ام می‌نشیند و طهارت دهنده و روشنی بخش است. الحمدلله. عمیقا برایتان آرزو دارم که از اصحاب خاص امام علیه السلام در کربلای این زمان باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین حساسیتی که نسبت به حضور تاریخی خود دارید، کارساز است. زیرا درک حضور تاریخی، امری است حضوری و آرام‌آرام، خود را به ظهور می‌آورد. عمده گوش سپردن به ندایی است که در این تاریخ به سوی قلبها روان است و تقوای لازم، زمینه‌ی به تفصیل درآوردن آن می‌باشد. موفق باشید